

بازشناسی مولفه های مالکیت براساس مبانی تئوری برخاسته از زمینه؛ به منظور تبیین جایگاه مفهوم مالکیت در حوزه ی ساخت و ساز

زهرا بهپور - گروه معماری، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

حمید رضا شعاعی - گروه معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود، ایران.

مسعود نبی میبدی* - گروه معماری، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

Recognition of Ownership Components based on Grounded theory; in order to explain the position of the concept of ownership in construction field.

Abstract

The human and his relationship with his environment and other human beings has always been the subject of the minds of architects and researchers and to this day, various theories and discussions of the important and influential components of humanity and its relation to society have been raised. Ownership is a fundamental concept in this area; a concept that is very complex, dense, vague and difficult. Therefore, the purpose of this study is to explain what and why it is, because this understanding has a practical aspect to create the human space, and a person has to have a decent location to satisfy his inner needs. Therefore, the grounded theory field has been chosen to comprehensively and deepen the problem, explaining the components of the concept of ownership, its quantitative and qualitative characteristics. Finally, by presenting a diagram of the role of ownership in human life, it can be stated that ownership can be found in different ways, resulting in different productivity, which is consistent with the concepts of "territory" "And" privacy "in construction.

Keywords: The concept of ownership, Property components, Need of man, Grounded theory.

چکیده

انسان و ارتباط او با محیط اطرافش و سایر انسان ها همواره ذهن معماران و پژوهشگران را به خود مشغول داشته است و تا به امروز نظریه ها و بحث های متنوعی از مولفه های مهم و تأثیرگذار بر انسان و ارتباطش با اجتماع مطرح شده است. مالکیت مفهوم اساسی در این حوزه محسوب می شود؛ مفهومی که بسیار پیچیده، مترکم، مبهم و دشوار می باشد. بنابراین در پژوهش حاضر هدف این است که چستی و چرایی آن تحلیل و تبیین شود زیرا که این فهم و شناخت برای خلق فضای زندگی انسان جنبه ی کاربردی دارد و انسان برای برآورده کردن نیازهای درونی خود باید موقعیت مکانی مناسبی داشته باشد. پس روش تئوری برخاسته از زمینه انتخاب شده است تا با جامعیت و عمقی که به مسئله می دهد تبیین مولفه های مفهوم مالکیت و ویژگی های کمی و کیفی آن انجام شود. در انتها با ارائه ی دیاگرامی از نقش مالکیت در زندگی انسان می توان عنوان نمود مالکیت می تواند اشکال مختلفی پیدا کند که در نتیجه بهره وری متفاوتی را رقم زند که این بهره وری مقارن با مفاهیم «حریم»، «قلمرو» و «خلوت» در ساخت و ساز می باشد.

واژه های کلیدی: مفهوم مالکیت، مولفه های مالکیت، نیاز انسان، تئوری برخاسته از زمینه.

* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۳۱۵۳۶۴۴۸، رایانامه: nabimeybodi@yazd.ac.ir

تحقیقات این نوشتار مستخرج از مطالعات رساله ی دکتری معماری نویسنده ی اول با عنوان تبیین رابطه ی اصول مالکیت و معیارهای ساخت و ساز خانه «مبتنی بر تحلیل خانه های شهر یزد در سه دوره: قاجاریه، پهلوی و جمهوری اسلامی» می باشد، که در دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد - گروه معماری تدوین شده است.

هر سکونتگاه مجموعه‌ای فرهنگی - کالبدی است که براساس نیازها، فعالیت‌ها و رفتار ساکنین آن شکل گرفته است و از زمانی که به انسان و تعامل او با سایر انسان‌ها در محیط توجه شده؛ مفاهیمی چون مالکیت و روابط اجتماعی نیز مورد توجه طراحان قرار گرفته است. با این وجود تئوری موثری در مورد محیط ساخته شده و تأمین نیازهای انسان در این راستا تدوین نشده و باعث شده انسان ریشه‌های روحی و روانی خویش را فراموش کند و به سازگاری تحمیلی با محیط برسد. انسان موجودی بالقوه اجتماعی و نیازمند برقراری ارتباط با دیگر هم‌نوعان خود است و مالکیت سازوکار تنظیم مرز فرد و دیگران و به نوعی برقرارکننده‌ی تعادل در روابط میان افراد است. مالکیت در معانی متفاوت و در دامنه‌ی وسیعی از مفاهیم به کار می‌رود و در فرهنگ‌های مختلف با معیارهای متفاوتی سنجیده می‌شود. تاکنون تحقیقات زیادی در زمینه‌ی مالکیت انجام شده است. این مفهوم پایه و اساس برقراری ارتباطات اجتماعی و یکی از ارکان اصلی تأمین-کننده‌ی سلامت اجتماعی افراد جامعه است. در نتیجه تحت تأثیر مجموعه‌ی وسیعی از متغیرها می‌باشد و از شخصی تا شخص دیگر و از فرهنگی به فرهنگ دیگر متفاوت می‌گردد. آنچه در اینجا مورد پرسش قرار می‌گیرد این است که «مالکیت چیست؟»، «درک مفهوم مالکیت براساس چه مولفه‌هایی در ساخت‌وساز فراهم می‌گردد؟» و «در دیدگاه‌ها و تعاریف مختلف چه وجوه مشترکی درباره مالکیت وجود دارد؟». یافتن پاسخ این پرسش‌ها مستلزم شناخت بیشتر این مفهوم و آگاهی از مولفه‌های آن می‌باشد که در ادامه با معرفی روش تئوری برخاسته از زمینه و انجام فرآیند پژوهش این هدف محقق می‌گردد.

۲. روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع کیفی است که بر مبنای رویکرد استقرایی و به روش «تئوری برخاسته از زمینه»^۱ به منظور شناخت مفهوم مالکیت صورت

گرفته است. این روش در پی آن است که فارغ از ارائه‌ی باورها و تصورها، اجازه دهد نظریه از میان داده‌ها به تکوین برسد (گروت و وانگ، ۱۳۹۰: ۱۸۰). نظریه‌ی زمینه‌ای را نخستین بار در سال ۱۹۶۷ دو جامعه‌شناس به نام‌های بارنی جی. گلیسر^۲ و آنسلم ال. استراوس^۳ در پاسخ به مشکل بیماران در حال مرگ و در رشته‌ی جامعه‌شناسی مطرح کردند. این دو برای گردآوری و تحلیل داده‌های کیفی به ساخت شیوه‌ای نظام‌مند پرداختند که «نظریه‌ی زمینه‌ای» نام گرفت و آن را در کتاب کشف نظریه‌ی زمینه‌ای^۴ نام گرفت و آن را در کتاب کشف نظریه‌ی زمینه‌ای^۵ یک روش تحقیق معرفی کردند. نظریه‌ی زمینه‌ای در مکتب کنش متقابل نمادین بنیان دارد که به مشاهده‌ی مشارکتی و معانی ذهنی افراد وابسته است. در این مکتب، افراد به صورت هدفمند، در مورد موضوع‌های مورد مطالعه‌ی خود کنش و واکنش نشان می‌دهند. این کنش و واکنش به نوع معنایی که موضوعات برای آن‌ها به همراه دارد بستگی می‌یابد (ایمان و محمدیان، ۱۳۸۵: ۳۵). استراوس و گلیسر ابداع‌کنندگان روش نظریه‌ی زمینه‌ای شناخته می‌شوند، اما بعدها به دلیل اختلافات نظری از هم جدا شدند و روایت‌های مختلفی از نظریه‌ی زمینه‌ای را بیان کردند. در حال حاضر سه روایت متفاوت از نظریه‌ی زمینه‌ای مطرح است: سبک استراوس و گلیسر (۱۹۷۶)، استراوس و کوربین (۱۹۹۸) و گلیسر (۱۹۷۸، ۱۹۹۲). تفاوت عمده‌ی میان این روایت‌ها را می‌توان در پایه‌ی تکنیک تحلیلی و روش استقرایی - قیاسی استراوس و کوربین (۱۹۹۸) کدگذاری ماهوی و روش استقرایی گلیسر (۱۹۹۲، ۱۹۷۸) در نظریه‌پردازی دانست. تفاوت عمده‌ی این دو روایت در جدول ۱ ارائه شده است (ایمان و محمدیان، ۱۳۸۵: ۳۷).

از همین رو با توجه به هدف و سوالات پژوهش نظریه‌ی استراوس و کوربین (۱۹۹۸) استفاده می‌گردد؛ که شامل سه مرحله و کدگذاری می‌باشد. مرحله‌ی اول «کدگذاری آزاد»^۸ می‌باشد که در سه ساحت انجام شده است. در ساحت اول به مرتبه شناخت

جدول ۱ روایت متفاوت از نظریه‌ی زمینه‌ای؛ (مأخذ: ایمان و محمدیان، ۱۳۸۵)

ویژگی سبکی	گلیسر (۱۹۷۸، ۱۹۹۲)	استراوس و کوربین (۱۹۹۸)
وجود تئوری‌های پیش فرض	-	استفاده از بیانیه‌ی نظری
رویکرد استقرایی/قیاسی	استقرایی	استقرایی/قیاسی
استفاده از ادبیات موضوعی پیش از ساخت نظریه	-	دارد
تمرکز تکنیکی	روش خلاقانه	دیدگاه رویکرد خطی در تکنیک
سطح جزئیات ۶	حوزه‌ی مطالعه ۷	پدیده یا چالش مورد مطالعه
کدگذاری باز/محوری/گزینشی	کدگذاری باز/محوری	کدگذاری باز/محوری/گزینشی

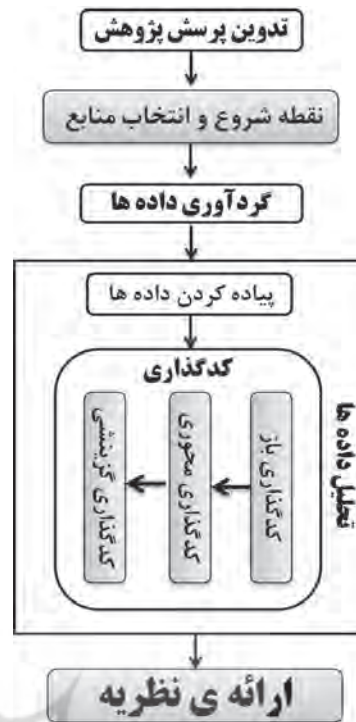
عادی و معمولی پرداخته شده و مرجع آن لغت‌نامه‌ها و فرهنگ‌نامه‌های معتبر می‌باشند. طبیعی است که این نوع شناخت، جنبه عام و معمولی دارد و اولین نوع جست‌وجویی است که هر شخص برای یافتن معنای یک کلمه انجام می‌دهد. ساحت دوم؛ جنبه تخصصی دارد و در حیطه معماری است. به عبارت دیگر در این ساحت، پژوهش از مواجهه عام با معنای لغوی «مالکیت» به سطح بالاتر و وجه عمیق‌تری می‌رود تا اشارات و تعبیر و کدهایی در باب موضوع در برخی نظریه‌های معماری بیابد و از معماران نظریه‌پرداز بزرگ که شیوه‌ی نگاه‌شان به پدیده‌های معماری برای موضوع این پژوهش مثمر ثمر است؛ استفاده و در کنار آن‌ها، دیدگاه‌ها و مقاله‌های دیگر که واجد نکات خاص بوده‌اند نیز ارائه گردیده است. در ساحت سوم به «فرهنگ» مکتوب و ادبیات (شعر، داستان)، فیلم و عکس پرداخته می‌شود؛ که توجه و پرداختن به ساحت یاد شده، ایجاد کننده‌ی ایده خاص در پژوهش حاضر است و در واقع می‌کوشد نوعی گرایش میانه رشته‌ای و تطبیقی را در منابع کدهای مستخرجه، بین ادبیات شعری مکتوب، فیلم و عکس، به بهانه موضوع برقرار کند. در واقع در این ساحت، گنجینه «ادبیات شعری» ایران و فیلم به عنوان منبع کمکی مناسب در نظر گرفته می‌شود و از آن‌ها برای تبیین وجوه و حدود پنهان‌تر، معانی عمیق‌تر و مفاهیم ظریف‌تر مالکیت، به ویژه در پس‌زمینه فرهنگ اصیل ایران،

استفاده می‌گردد. در مرحله‌ی دوم برای نظم دادن به این کدهای متفرق از «کدگذاری محوری ۹» بهره گرفته و در انتها و مرحله‌ی سوم با روش «کدگذاری گزینشی ۱۰» جمع‌بندی و نتیجه‌گیری از کلیه‌ی مطالب انجام شده است (Strauss, A. & Corbin, ۱۹۹۸). در این مرحله جمع کلیه مطالب به زبان دیاگرام ارائه شده است. لازم به ذکر است که این مراحل در هر یک از قسمت‌های تحقیق پیگیری و نتیجه در همان بخش ارائه شده است. در انتها به تعریف مالکیت و مشخص کردن مولفه‌های آن پرداخته می‌شود.

۱-۲ دلایل توجیه و روایی استفاده از «فرهنگ» مکتوب و ادبیات (شعر، داستان)، فیلم و عکس در ساحت سوم

دلایل توجیه و روایی استفاده از منبع ادبیات شعری ایران و سینما به شرح زیر می‌باشد:

- ۱- بنیان هستی‌شناسی و معنی‌شناسی مشترک: با وجود شاخه‌های متعدد هنر؛ از جمله شعر، معماری، نگارگری و خوشنویسی و سینما - مبانی، روح و نهاد ایده‌ها و فرهنگ زیباشناسی حاکم بر همه این هنرها، یکی باشد و در واقع علی‌رغم تعدد این شاخه‌ها، به لحاظ محتوا، مبانی پایدار و مشترک خود را ظاهر می‌نمایند (رحیمیان، ۱۳۹۳ : ۳۲).
- ۲- وجود مشترکات در ایده‌های معماری، شعر و سینما: بدون شک معماری، شعر و سینما، به نوعی بیانگر ایده‌های هستی-شناسانه و ارزش‌های



شکل ۱ مراحل انجام پژوهش (مأخذ: نگارنده)

معماری، که خود مردم بیان کرده‌اند، مواجه می‌شویم. شاعران بازنمود روان جمعی و آوای روح جمعی مردم هستند.» (آنتونیادس، ۱۳۸۱: ۱۸۴). به بیان دیگر ادبیات شعری نماینده پرداخت شده‌ی آرمان‌های جامعه و تجلی ایده‌ها و ارزش‌های آنان است.

۴- «کلامی» بودن شعر و نقش «آشکارسازی» آن: وجه مهم دیگری که گنجینه شعر ایران را برای پیشبرد در باب یک مفهوم و یا یک پدیده معماری ارزشمند جلوه می‌دهد عبارت از ماهیت کلامی و استفاده از زبان رسمی در شعر است؛ که آن را دارای گویایی بیشتر و عام‌تری می‌کند. معماری بواسطه انتزاعی بودن خود، به نوعی «صامت» تر است و بواسطه دلالت غیرمستقیم، استخراج معانی آن دشوارتر است در حالی که در شعر به هر حال می‌توان به دلالت کلمات توسل جست و برای کشف لایه‌های معانی از آن‌ها بهره برد. در گذشته، کار معمار و شاعر یکدیگر را تکمیل می‌کردند، شاعر شعرش را در معماری سه بعدی می‌دید و معمار سخنانش را در شعر بطور کلامی آشکار می‌یافت و پیوستگی فرهنگی، مجموعه‌ای کامل را می‌ساخت که نوشتن «گزارش توجیهی طرح» برای آثار معماری را ایجاب نمی‌کرد. اما امروزه ما در سرگردانی گنجینه‌ای عظیم، اما سر به مهر به نام میراث معماری اسلامی ایرانی هستیم که غالباً کلیات آن را ممکن است دریابیم اما در حسرتیم که ایده‌های پشتوانه و تعبیر ذهنی را که منتهی به چنین پاسخ‌های تجسمی شده‌اند را درک کنیم. در چنین شرایطی، هنرهای کلامی ادبی و به ویژه اوج آن شعر، حکم یک «شاهد» و «مترجم» و «آشکارساز» را ایفا می‌کند و به رازگویی و افشای اسرار فخیم و سر به مهر ایرانی، در حیطه ذهنیات و مضامین، کمک شایان می‌نماید.

۵- معماری و سینما عناصر مکمل و هویت‌بخش فضا و مکان: معماری و سینما مجموعه‌ای از هنر و فنونی هستند که به کمک داستان توانای معمار و فیلم‌ساز در هم آمیخته‌اند. معماری و سینما هر دو به ایجاد

بنیادین جامعه هستند. بویژه اگر یکی از بهترین تعاریف معماری را به یاد آوریم که «معماری ایده‌ها و ارزش‌هایی را به وسیله سیستمی از علائم سه بعدی بیان می‌کند» (فلامکی، ۱۳۹۱: ۱۳۰) بهتر در خواهیم یافت که معماری نیز همچون شعر و ادبیات عرفانی و سینما، در صدد بیان ایده‌ها و ارزش‌ها است. وقتی زمینه و منبع واحد و پایداری از ایده‌ها و ارزش‌ها در جامعه موجود باشد، پرتویی از این زمینه واحد در معماری ظاهر می‌شود، پرتو دیگری در شعر و شعاع‌های دیگری در سایر هنرها و بدین ترتیب انتظار معنی‌دار بودن بررسی تطبیقی این عرصه‌ها از جمله معماری و شعر و سینما حول یک محور تعریف شده افزایش می‌یابد.

۳- ادبیات شعری به عنوان نظریه مردمی مستمر: در این زمینه نقل قولی از آنتونیادس، نویسنده کتاب «بوطبقای معماری» مفید است: «زمانی که به آثار شاعرانی که مردمان را توصیف می‌کنند، مراجعه کنیم، درست مانند این است که با مجموعه نقد

فضا و روح زندگی می‌پردازند و در فرآیند ادراک فضا، هر دو هنر به اصول مشترکی پایبندند. جهان معماری و دنیای سینما از عناصر بنیادی مشترکی همچون صحنه، فضا، نور، حرکت و دید برخوردارند. در این میان فضاهای شهری و بناهای معماری به عنوان مکان یک رویداد فیلم از اهمیت زیادی برخوردارند و معرف موقعیت زمانی، فرهنگی، تاریخی، اجتماعی و... هستند (رحیمیان، ۱۳۹۳: ۱۱).

۳. پیشینه پژوهش - عوامل و دیدگاه‌ها پیرامون موضوع مالکیت

مالکیت مفهومی پیچیده، متراکم، مبهم، دشوار و پرتنین است؛ در واقع نهادی در تقاطع تاریخ، اقتصاد، سیاست و اخلاق می‌باشد. با ملاحظه‌ی تاریخ اندیشه‌ها می‌توان دید، از ابتدا توجه بشر را به خود جلب کرده است. مالکیت از زبان عربی به فارسی راه پیدا کرده و مصدر جعلی است و بعضاً ملکیت هم گفته می‌شود. در فقه اسلامی از واژه‌ی ملکیت استفاده می‌شود (پیلوار، ۱۳۹۳: ۳۱). در فرهنگ‌های معتبر فارسی مالکیت؛ «حقی است که انسان نسبت به شیء دارد و می‌تواند هر گونه تصرفی در آن بکند به جز آنچه که مورد استثنای قانون است.» (معین، ۱۳۷۱). جعفری لنگرودی معادل فارسی این کلمه را «دارش» پیشنهاد کرده است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۰: ۱۶۴).

مالکیت از دیرباز مورد مطالعه‌ی فلسفی قرار گرفته است. صرف نظر از ادیان آسمانی که خود حاوی فلسفه‌ای برای مالکیت بوده‌اند، فلاسفه به بررسی این مفهوم پرداخته‌اند. دلیل قدمت این است که در تمام جوامع ولو بدوی، نظامی برای نحوه‌ی استفاده و نحوه‌ی دسترسی افراد بر اموال وجود داشته است. بدینسان با ضمیمه‌ی این مسأله، به حس شگفتی انسان که منشأ فلسفه است، بدین نتیجه می‌رسیم که اگرچه عنوان فلسفه‌ی حق مالکیت قدیمی نیست، ولی اندیشه‌های مربوط به آن به اعصار کهن می‌رسد. افلاطون، کانت، هگل و لاک فیلسوفانی بوده‌اند که به مالکیت پرداخته‌اند و نظریاتشان، نفوذ

عمیقی در حقوق داشته است (پیلوار، ۱۳۹۳: ۳۳). کانت که او را بزرگترین فیلسوف غرب می‌دانند، در کتاب فلسفه‌ی حقوق خود، مالکیت را نسبت به شخص دیگر تلقی نموده و آن را در واقع حق فرد بر افراد دیگر می‌داند نه حق فرد بر یک شیء (کانت، ۱۳۸۰، ۱۰۴). در حقوق روم که ریشه‌ی حقوق فرانسه را تشکیل می‌دهد، برخلاف امروز، نسبت به مالکیت نگاهی عینی وجود داشته است. بدین معنا که در نظر آنان، مالکیت یک حق فردی نبوده بلکه به گفته‌ی زناتی، «کیفیتی» بوده که به موجب آن یک مال به شخصی تعلق داشته است. برخلاف دیدگاه حقوق فردی که مالکیت را از دید شخصی می‌بیند و در آن مالکیت، حق و قدرت انحصاری اعطایی توسط قانون به یک شخص، راجع به یک مال است (Zenati, ۲۰۰۸: ۲۵۹).

در کامن‌لا و مشخصاً حقوق انگلیس و آمریکا، مالکیت حقی بسیار مهم تلقی می‌گردد. مثلاً یکی از نویسندگان می‌گوید: اگر قانون مدنی فرانسه مصوب ۱۸۰۴م، قانون مالکیت تلقی می‌شود، در آمریکا قانون اساسی، قانون مالکیت است (Dietze, ۱۹۷۱: ۲۹-۳۴). برخی حقوقدانان بزرگ از جمله جرمی والدرون معتقدند که مالکیت، چیزی جز رابطه‌ی انسان‌ها با یکدیگر نیست. زیرا مال نمی‌تواند طرف حق یا تکلیف قرار گیرد (Waldron, ۲۰۰۲: ۱۶۰-۲۶۷). دیدگاه دیگری نیز نسبت به مالکیت وجود دارد که مالکیت را به عنوان مجموعه‌ای از روابط اجتماعی می‌داند؛ این دیدگاه را نخستین بار فلیکس کوهن، در سال ۱۹۵۴ م. به کار برده است. در این دیدگاه دیگر مالک کسی نیست که حقی مستبدانه بر مالی داشته باشد و در گوشه‌ای بنشیند و حکمروایی کند، بلکه وارد اجتماع می‌شود و در کنار حقوق مختلف، تعهدات زیادی را تحمل می‌کند و مثل معروف: «هر کس بامش بیش، برفش بیش‌تر»، بر او صدق خواهد کرد (پیلوار، ۱۳۹۳: ۶۳).

مالکیت در اسلام به مالکیت «واقعی» و «اعتباری» تقسیم می‌شود. مراد از مالکیت واقعی این است که

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۵۴ بهار ۹۸
No.54 Spring 2019

تمام جهان و هر آنچه در اوست متعلق به خداوند است و آیات بسیاری این نوع مالکیت را نشان می‌دهد. از سخن برخی علما چنین بر می‌آید که مالکیت اعتباری انسان هم در مرتبه‌ی پایین‌تر مالکیت خداوند است (گرجی، ۱۳۷۵: ۳۰۴-۳۰۳). بر همین اساس هیچ ایرادی ندارد که در یک زمان هم انسان، مالک مالی باشد، هم خداوند متعال. زیرا این دو نوع مالکیت از یک جنس نیستند تا ایراد شود که محال است یک مال در یک زمان، دو مالک داشته باشد. در روایات اسلامی، ارزش مالکیت فردی مشروع، همپای اهمیت جان انسان است. مثلاً فقهای شیعه و سنی، از جمله اهداف پنجگانه‌ی شریعت را در کنار حمایت از نفس، عقل، دین و نسل، حمایت از مال بیان کرده‌اند و در فقه، قواعد و احکام متعدد برای حمایت از مالکیت وضع شده است. در سنت اسلام و مطابق تعالیم کتاب و سنت، مالکیت نه تنها مطلق نیست، بلکه حقی است محصور در اخلاق و انسانیت. بر همین اساس هم آزادی افراد به این معنا نیست که دیگر افراد جامعه حقی در مالکیت آنان نداشته باشند (پیلوار، ۱۳۹۳: ۳۰۹).

برای بازشناسی ویژگی‌های اساسی موضوع مالکیت در ایران، دو مجموعه نوشتار اصلی قلمداد می‌شود. این دو عبارت‌اند از: اول، سرفصلی از کتاب «شکل‌گیری معماری در تجارب ایران و غرب» که در نوشتار هشتم - سیر معماری ایران، آورده شده و دوم، «قانون مدنی ایران»، که مستقیماً به مالکیت در کشور می‌پردازد و چگونگی‌های کمی و کیفی آن را تعیین می‌کند. اولین منبع، به شکلی گسترده و مستند سیر تحول مالکیت در ایران دوران اسلامی را باز می‌شناساند و در طول این بررسی از جمله نشان داده می‌شود که مقوله مالکیت در کشورهای اسلامی از گستردگی و ژرفای خاصی برخوردار است چنان‌که در قسمتی که به «انفال»، به «فی» و به «مفتوح العنوه» اختصاص یافته، نکاتی یادآور می‌شوند که برای شهرها و برای مدیریت اقتصادی سرزمین‌های کشور، از دیدگاه معماران و شهرسازان،

بسیار سرنوشت‌ساز به شمار می‌آیند. در جایی دیگر از همین صفحات، به این نکته پرداخته می‌شود که، سوای «مالکیت مالک حقیقی»، در اسلام، «پنج نوع مالکیت مقرر است»،^۱ به ترتیب زیر: ۱- مالکیت اختصاصی و انفرادی اشخاص، ۲- مالکیت اختصاصی امام و سلطان وقت، ۳- مالکیت مشترک اشخاص بر وجه اشاعه، ۴- مالکیت جنس یا عنوان بر وجوه آن در فرد یا افراد و بر وجه بدلیت، ۵- مالکیت جنس یا جهت بر وجه اشاعه.^۲ (فلامکی، ۱۳۸۵: ۲۷۵-۲۹۱). دومین منبعی که برای بازشناسی موضوع مالکیت در ایران معرفی می‌شود، مجموعه نکاتی هستند که در بخش‌هایی از قانون مدنی ایران عنوان شده‌اند. «کتاب اول»، در بیان اموال و مالکیت به طور کلی - از قانون مدنی ایران، مشخصه‌های اصلی مربوط به شرایط تملیک و استمرار و نیز فسخ مالکیت غیرمنقول را عنوان می‌دارد. در این کتاب، در «اموالی که مالک خاص ندارد» (از ماده ۲۳ تا ۲۸)، در باب دوم، «در حقوق مختلفه که برای اشخاص نسبت به اموال حاصل می‌شود»، در سه زمینه‌ی: مالکیت (اعم از عین یا منفعت)، حق انتفاع و حق ارتفاق به ملک غیر (از ماده ۳۰ تا ۵۴ در زمینه انتفاع و از ماده‌ی ۵۵ تا ۹۱) در وقف، در حق انتفاع از مباحات (ماده ۹۲) و در زمینه‌ی «ارتفاق نسبت به ملک غیر» (از ماده‌ی ۹۳ تا ۱۰۸) ضابطه‌هایی دقیق به میان آورده می‌شود. در مبحث دوم همین فصل، آن‌جا که، «در احکام و آثار املاک فنی مربوط با ملک مجاور» گفته می‌شود، بسیار دقیق می‌نماید و بسیاری از نکات فنی مربوط به مالکیت را، برای مستحدثاتی که در دهه‌های پایانی سده‌ی سیزدهم و آغازین سده‌ی چهاردهم هجری خورشیدی رایج بوده‌اند، می‌شکافند (منصور، ۱۳۹۵).

با مطالعه زمینه‌ی تاریخی مالکیت روشن می‌شود؛ حمایت از مالکیت یکی از قدیمی‌ترین مصادیق قواعد حقوقی چه در قوانین غیر دینی و چه در قوانین دینی بوده است. قوانینی نظیر «قانون حمورابی»، «منشور کوروش کبیر»، «ده فرمان موسی (ع)» و مانند

آن‌ها در دوران باستان و قوانینی نظیر «منشور کبیر (ماگنا کارتا)» منعقد شده در سال ۱۲۱۵ میلادی در انگلیس (در پی شورش اشراف علیه جان، پادشاه انگلیس)، اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه، پیرو انقلاب کبیر فرانسه که در بند ۱۷ صریحا مالکیت را حقی مقدس نامید، نمونه‌هایی از این ادعا هستند. منشور سازمان ملل متحد مصوب ۱۹۴۸ نیز در ماده ۱۷، لزوم دفاع از مالکیت افراد را به عنوان حقی مهم به رسمیت شناخته است. همچنین است مواد ۱۵ و ۱۸ اعلامیه‌ی اسلامی حقوق بشر مصوب ۱۹۹۰ میلادی. دیدگاه‌ها و پژوهش‌هایی که در زمینه‌ی مالکیت انجام شده و این که ساختار مهمی از قانون مدنی بر مالکیت نهاده شده است، ارزش موضوع مالکیت را بیان می‌کند؛ ولی آنچه در تحقیقات پیشین نادیده گرفته شده؛ شناخت مفهوم مالکیت است که تبیین نشده و از ریشه‌ها و مبانی آن سخنی گفته نشده و آن چه گفتنی است به زبان حقوق و در چارچوب قانون است. با توجه به مطالبی که آورده شد؛ تفاسیر گوناگون از مالکیت وجود دارد. معمارها، قوم‌نگارها، مورخین، انسان‌شناس‌های اجتماعی و دیگران دیدگاه‌های خاصی را برای این متغیر بیان نموده‌اند. همچنین با توجه به بررسی‌هایی که در این راستا انجام شده؛ مفهوم مالکیت و مولفه‌های آن در ساخت‌وساز بیان نشده و آنچه گفته شده به زبان حقوق و در قالب قوانین و مقررات می‌باشد و وجه تمایز تحقیق حاضر و در واقع نوآوری آن بیان، مولفه‌های مالکیت در فضای ساخته شده است تا در ادامه پژوهش و مقالات بعدی بتوان به چگونگی رابطه‌ی مالکیت و ساخت‌وساز پرداخت که در این راستا؛ با توجه به گستردگی مالکیت از منابع مختلف برای استخراج کدها استفاده شده است که در ادامه به آن پرداخته می‌گردد.

۴. یافته‌های پژوهش

۴-۱ کدگذاری آزاد

برای شروع پژوهش ابتدا باید مرجع «ساحت»‌هایی که اطلاعات و کدهای اولیه از آن‌ها استخراج

می‌شوند، مشخص گردد. مرجع ساحت اول - لغت‌نامه‌ها و فرهنگ‌نامه‌های معتبر می‌باشند که در این رساله از فرهنگ فارسی عمید، فرهنگ فارسی معین، فرهنگ فارسی دهخدا، Oxford Advanced Learner,s Dictionary, The American Heritage Dictionary, Longman Advanced American Dictionary، لغت‌نامه فارسی قاموس، کتب معتبر لسان‌العرب، مجمع‌البحرین، النهایه و قاموس‌المحیط، قرآن و علم حقوق استفاده شده است. در این حالت معانی لغوی و به اصطلاح منطقی «شرح‌الاسم»‌های ارائه شده برای «مالکیت» استخراج می‌شوند.

در ساحت دوم که جنبه تخصصی دارد؛ در باب موضوع از برخی کتب معماری همچون «آفرینش نظریه‌ی معماری - نقش علوم رفتاری در طراحی محیط»، جان لنگ (۱۳۹۰)، «شکل‌گیری معماری در تجارب ایران و غرب»، محمدمنصور فلامکی (۱۳۹۱)، «حریم‌گذاری بر ثروت‌های فرهنگی ایران»، محمدمنصور فلامکی (۱۳۹۲)، «تئوری شکل خوب شهر»، کوین لینچ (۱۳۷۶)، «محیط و رفتار اجتماعی - خلوت، فضای شخصی، قلمرو، ازدحام»، ایرومن آلتمن (۱۳۹۰) و پژوهش‌های مرتبط با ضوابط و مقررات معماری و شهرسازی («تدوین قانون جامع طراحی ساختار یکپارچه توسعه و عمران کشور»، مجید احسن (۱۳۸۲)، «پژوهش و تدوین قانون جامع شهرسازی و معماری ایران»، سیدرضا هاشمی (۱۳۸۶)، «مطالعه در ضوابط معماری و ساختمانی مورد عمل در کشورهای پیشرفته و انطباق آن‌ها با شرایط ایران و تدوین مقررات ملی ایران»، کیانوش ذاکر حقیقی (۱۳۸۶)) و همچنین مقاله‌ی «قلمروهای تفاهمی - بررسی موردی: ایجاد تلاریش در ماسوله»، فلامکی، محمد منصور (۱۳۹۳)؛ استفاده گردیده است.

در ساحت سوم از «نیم‌میلیون بیت شعر از شعرای قرون سوم تا اواسط قرن ۱۲ هجری»، فیلم «قلبم را در وطنم دفن کن» به کارگردانی: ایموسیومونر،

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۵۴ بهار ۹۸
No.54 Spring 2019

« کتاب ابن خلدون » - جلد یک و دو، «سفرنامه شاردن»، «هفت پیکر نظامی» و ... بهره گرفته شده است. در رابطه با دلیل انتخاب بازه‌ی زمانی شعرها می‌توان عنوان نمود: ۱- در طی این دوره‌ی زمانی هزار ساله، به لحاظ سبک‌شناسی، تمامی سبک-های اصلی مشتمل بر: «سبک خراسانی، سبک سلجوقی، سبک عراقی، سبک هندی» به کمال رسیده‌اند. بزرگترین و نام‌آورترین شعرای ایرانی در همین دوره ظهور کرده و آثار جاودان از خود بر جا نهاده‌اند و خلاصه آنچه هویت شعر ایرانی به لحاظ محتوا و قالب است در این دوره طولانی ساخته و پرداخته شده است.

۲- از آنجا که در قسمتی از پژوهش به نوعی بررسی تطبیقی و میان‌رشته‌ای بین معماری و ادبیات شعری - با محوریت «مالکیت» پرداخته می‌شود، ضرورت دارد؛ دوره‌ای از ادبیات شعری را برگزید که مقارن و موازی با دوره اصالت و هویت‌مندی معماری ایرانی باشد. به عنوان یک اصل مسلم تاریخی می‌توان گفت معماری اسلامی ایران، از قرون سوم تا دوازدهم هجری دوران اوج و خلوص و شکوه خود را طی کرده و در زنجیره‌ای مستحکم و بی‌گسست، بالغ‌ترین نمونه‌های محتوا و فرم را در معماری فرهنگ‌گرای ایرانی به ظهور رسانیده است. بدین ترتیب دوره‌ی انتخاب شده برای بررسی ادبیات شعری، مقارن با دوره‌ی حیات معماری اسلامی ایران است، تا بررسی تطبیقی مبتنی بر یک مطابقت تاریخی معنادار نیز باشد.

۳- ضروری است که هر تحقیقی محدوده‌ی خاص و معینی را تعریف و در حیطه‌ی آن به عمل پردازد و اساساً در بر گرفتن تمام بازه‌های زمانی و یا موضوعی، ضرورت و گاه امکان ندارد. ۴- نکته بسیار مهمی که در اینجا لازم به ذکر است این است که مفاهیم و ایده‌های انتزاع شده مربوط به «مالکیت» از دل اشعار دوره مورد نظر، لزوماً وابسته و متعلق به این دوره نیستند. زیرا که اشعار به تبع سراینندگان، مربوط به زمان معین هستند، اما مفاهیم منتزعی که

از دل آن‌ها بیرون کشیده و به صورت کانسپت‌های کلی در می‌آیند، به واسطه‌ی انتزاعی بودن ضرورتاً اختصاص به همان زمان ندارد. بدین لحاظ، این بخش از تحقیق، به دنبال همین مفاهیم و ایده‌ها و کانسپت‌های انتزاعی در باب موضوع پژوهش از دل اشعار خواهد بود، تا بتوان به معمار امروز برای «درک» و «شناخت» مفهوم مساعدتی بنماید. مفاهیم بلند و عمیق در ادبیات، در دوره اخیر، مورد غفلت و فراموشی‌اند، زیرا که بدرستی انتزاع و استخراج نشده‌اند و بدین سان این بررسی، همانند نوعی استخراج گوهر از معادن گرانبه‌است تا انتقال سرمایه‌های فکری و مضامین و تعبیر ذهنی ارزشمند و فهم‌های عمیق از موضوع ممکن گردد.

نتیجه‌ی کدگذاری آزاد در سه ساحت مذکور استخراج «۶۹۱» کد در باب مالکیت است، که بدون شمارش کدهایی که چند بار تکرار شده‌اند، به «۳۸۴» کد می‌رسد که حاوی وجوه، حدود معنایی، مفاهیم و یا تعبیری از مالکیت‌اند. حال بسامد محتوایی کدهایی که از هر ساحت مستخرج شده‌اند انجام می‌شود. در ساحت اول که به کدگذاری عمومی لغت‌نامه‌های انگلیسی، فارسی و عربی اختصاص دارد، «۲۳۹» کد استخراج شده است که در بین آن‌ها کدهای نزدیک به مضامین «مالکیت حقیقی خداوند و امانت بودن آن در نزد انسان»، «حفظ حقوق فردی و اجتماعی»، «دارندگی»، «قدرت» و «مالکیت صفتی خاص» بیشتر از بقیه تکرار شده‌اند. در ساحت دوم که تئوری‌ها و نظریه‌های معماری را بررسی و کدگذاری انجام شد به «۱۵۹» کد دست یافته شد که از میان آن‌ها کدهایی که از مالکیت تعبیری چون «خلوت»، «حریم» و «قلمرو» دارند بیش از بقیه تکرار شده‌اند. در ساحت سوم که به کدگذاری آزاد ادبیات منظوم فارسی، داستان، شعر و فیلم اختصاص دارد «۲۹۳» کد استخراج گردید؛ که از میان آن‌ها، کدهایی بیش از همه تکرار شده‌اند؛ «وجوه معنایی و مفهومی» آن را مد نظر داشته‌اند (مالک شدن، تغییر روش زندگی، تغییر دادن بینش، تجاوز به حریم، نوشتن قوانین

و فراهم نشدن آرامش به وسیله‌ی آن و مشکل دار بودن زندگی، قرار گرفتن انسان در زاویه عدم و محصور شدن و...).

با مرور کدهای به دست آمده؛ در این قسمت می‌توان تنوع نسبی بار معنایی و متفاوت مالکیت را مشاهده نمود. ضمن این بررسی با توجه به قسمت «ساز مخالف» نتیجه می‌شود که «مالکیت» برحسب نوع و زاویه نگرش می‌تواند با دیدی مثبت، خوشبینانه و براساس قابلیت‌ها و ارزش‌های آن نگرینسته شود و هم با دیدی منفی، بدبینانه و مبتنی بر محدودیت‌ها و تحمیل‌های حاصل از آن مورد نظر قرار گیرد. این نوع نگرش به ویژه، ضمن تحلیل مالکیت در بخش‌های ادبیات، فیلم و نظریات معماری (ساحت‌های دوم و سوم) به خوبی احساس می‌شود و این ایده را ایجاد می‌کند که در قسمت کدگذاری محوری؛ بتوان نوعی دسته‌بندی و محورسازی را براساس این دو نوع نگرش برپا نمود.

۲-۴ کدگذاری محوری

در «کدگذاری محوری» دسته‌بندی «کدهای» مستخرج از «کدگذاری آزاد» انجام شده است. اکنون باید کثرت و پراکندگی کدهای حاصله را به طرز معنی‌داری به انتظام در آورد تا به سمت جمع‌بندی نهایی پیش رفت. به همین منظور با یافتن «خوشاوندی» و «رابطه‌ای» مابین کدها، آن‌ها را دسته‌بندی کرده تا به داستان ماهیت و چستی مالکیت نزدیک شد. با انتخاب دسته‌های مفهومی بین کدها، ریشه‌های معنی‌داری تشکیل داده تا با کنار هم قراردادن آن‌ها به درک و فهم مفهوم مالکیت دست یافته شود (Strauss, A. & Corbin, J. ۲۰۱۰).

۱-۲-۴ کدگذاری محوری براساس دو مقوله مثبت و منفی

تمامی کدهای منتج از کدگذاری آزاد، براساس دو مقوله‌ی «مثبت» و «منفی» دسته‌بندی می‌شوند. کدهایی که بیانگر نگرش مثبت به مالکیت‌اند و آن‌هایی که نگرش منفی به مالکیت را نشان

می‌دهند. لازم به ذکر است در این دسته‌بندی‌ها مواردی وجود دارند که قابلیت جایگیری در هر دو گروه را دارا هستند. این «کدها» که نه حامل بار منفی از مالکیت و نه مثبت، در واقع وجهی از آن را که هم در نگاه بدبینانه و هم خوش‌بینانه مالکیت ظاهر می‌شود، بیان می‌کنند. چنین کدهایی در هر دو دسته مشترکاً وجود دارند (Strauss, A. & Corbin, J. ۲۰۱۰). (کدهایی که بیانگر نگرش منفی به مالکیت‌اند: اخلاق انحصار طلبی و تأثیر آن بر مالکیت، ایجاد هرج و مرج و ظلم بدون حمایت قانون و عدالت از مالکیت، تصرف سبب تحقق مالکیت، مالکیت ایجاد کننده‌ی حصار اطراف مال، زیاده‌خواهی و تعرض و... / کدهایی که بیانگر نگرش مثبت به مالکیت‌اند: صاحب بودن، قدرت تصرف داشتن، مالک بودن، قابل تملک بودن، بتوان آن را فروخت و یا نگهداری کرد، تعلق داشتن، خداوند، دارا بودن و... / کدهای مشترک در هر دو نگرش: ناشناخته بودن مفهوم مالکیت، تأثیر بینش بر منزلت و جایگاه مالکیت، تأثیر بینش در معاهده و قرارداد و...).

۲-۲-۴ کدگذاری محوری براساس سه مقوله «حکمت مالکیت»، «نحوه ظهور مالکیت» و «نتیجه مالکیت»

در این مرحله به دسته‌بندی کدهایی پرداخته می‌شود که تحت عنوان «نگرش مثبت» قرار گرفته‌اند. این تقسیم‌بندی براساس سه مقوله‌ی «حکمت»، «نحوه ظهور» و «نتیجه» مالکیت صورت می‌گیرد. در مورد تفاوت معنای «حکمت» و «نتیجه» مالکیت، باید بیان نمود که وقتی سخن از «حکمت» به میان می‌آید، منظور ویژگی‌هایی است که بطور خودآگاه و به عنوان مقصود و هدف از مالکیت مطرح است و در واقع طراح در قالب آن‌ها، مصلحت و فایده‌ای را جست‌وجو می‌کند. در حالی که منظور از «نتیجه» مالکیت پیامدهای خودبه-خودی حاصل از مالکیت است، اعم از اینکه این پیامدها مورد نظر بوده یا نبوده باشند (Strauss, A. & Corbin, J. ۲۰۱۰).

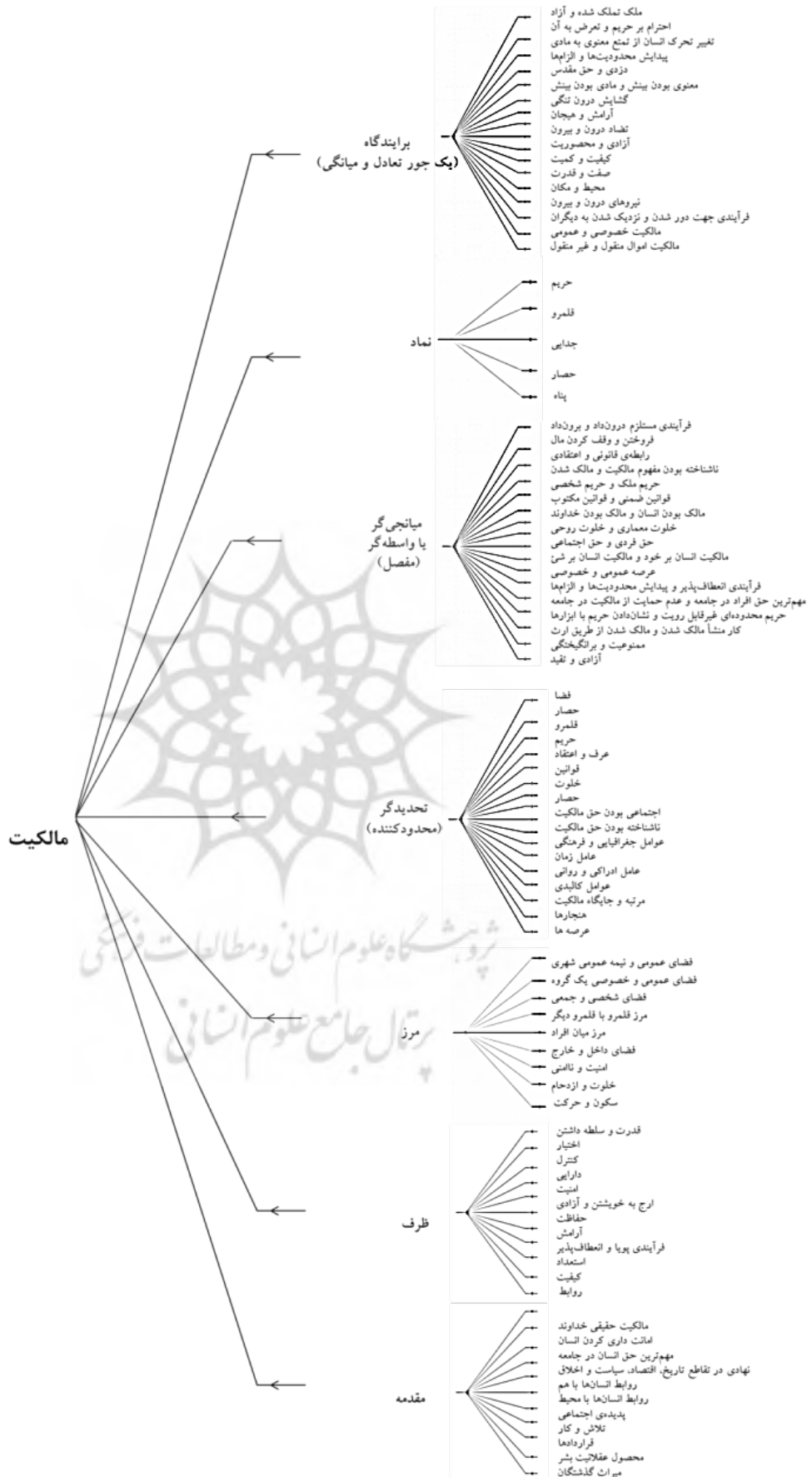
(A. & Corbin, J. ۲۰۱۰). (کدهای مربوط به حکمت مالکیت: صاحب بودن، حس مالکیت همراه با دفاع و ... / کدهای مربوط به نحوه ظهور مالکیت: مالکیت صفت خداوند، مالکیت و تقوای الهی داشتن (مرتکب حرام نشدن)، انسان مباشر خدا بر زمین، نیازهای انسانی، نیاز به امنیت فیزیکی و ... / کدهای مربوط به نتیجه‌ی مالکیت: قدرت تصرف داشتن، توانگری، مقام، قدرت و سلطه، حق ویژه بر مکان و ...).

۳-۲-۴ کدگذاری محوری براساس ده دسته‌بندی مفهومی

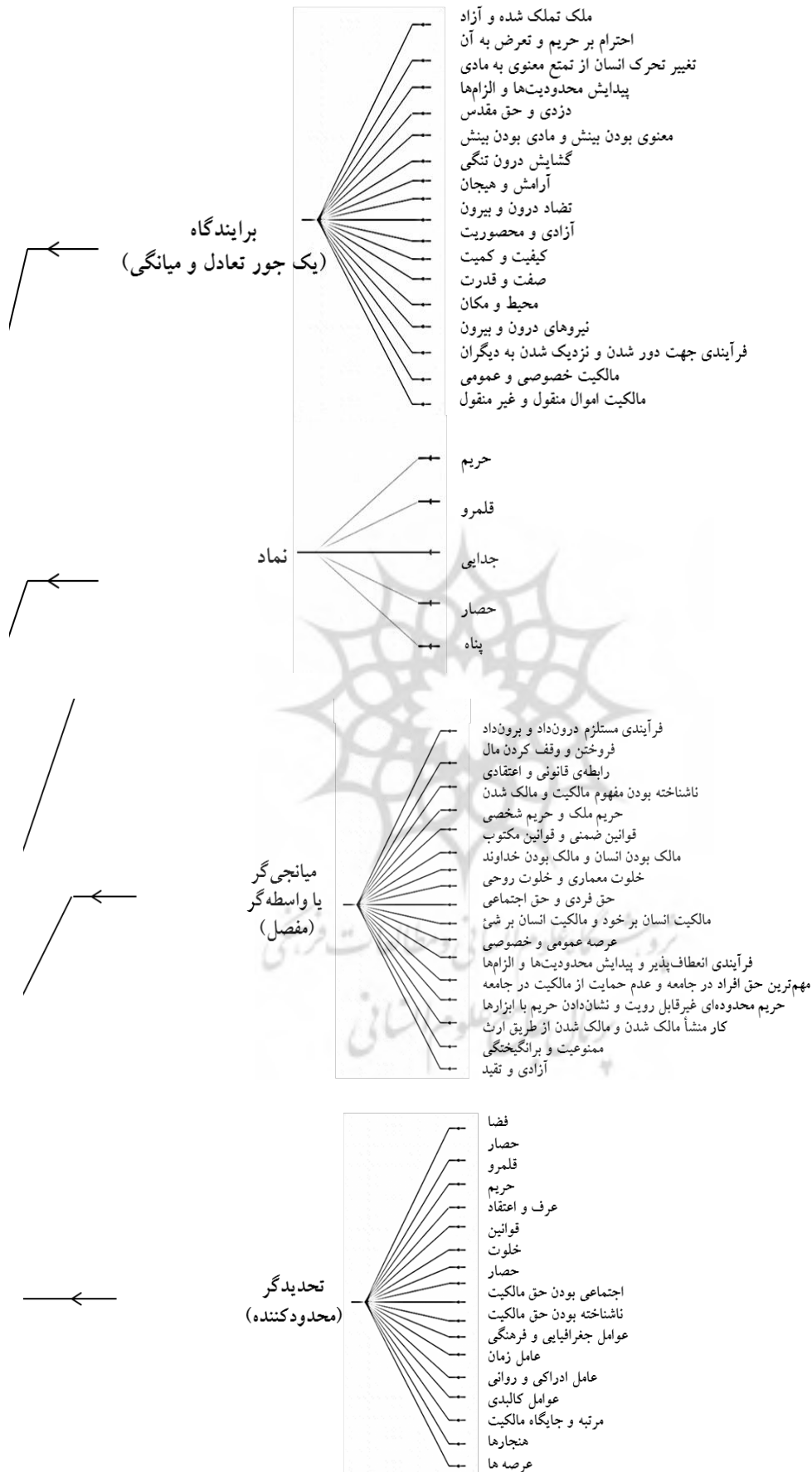
در سومین مرحله‌ی کدگذاری محوری، کدهایی که در پی بیان وجه مثبتی از مالکیت هستند، براساس «ده دسته‌بندی مفهومی» تقسیم‌بندی می‌شوند؛ که یکی «جوهر» و مبین نهاد آن است و نه تای دیگر وجود مستقل ندارد، بلکه همچون حالت و ویژگی‌ای است که در نهاد چیزی ظاهر می‌شود. این ده دسته، به این شرح است: جوهر (نهاد، جسمیت)، کم (جنبه‌های مادی و قابل اندازه‌گیری و کم و بیش)، کیف (حالات و ویژگی‌های محسوس و ملموس)، این (وجوه مکانی)، متی (وجوه زمانی)، وضع (وضعیت پدیده به چیزهای مجاور)، جده یا ملک (تعلق یا مالکیت)، فعل (وجه تأثیرگذاری)، اضافه (نسبت پدیده به امر دیگر و یا صفت تفضیل) (Strauss, A. & Corbin, J. ۲۰۱۰).

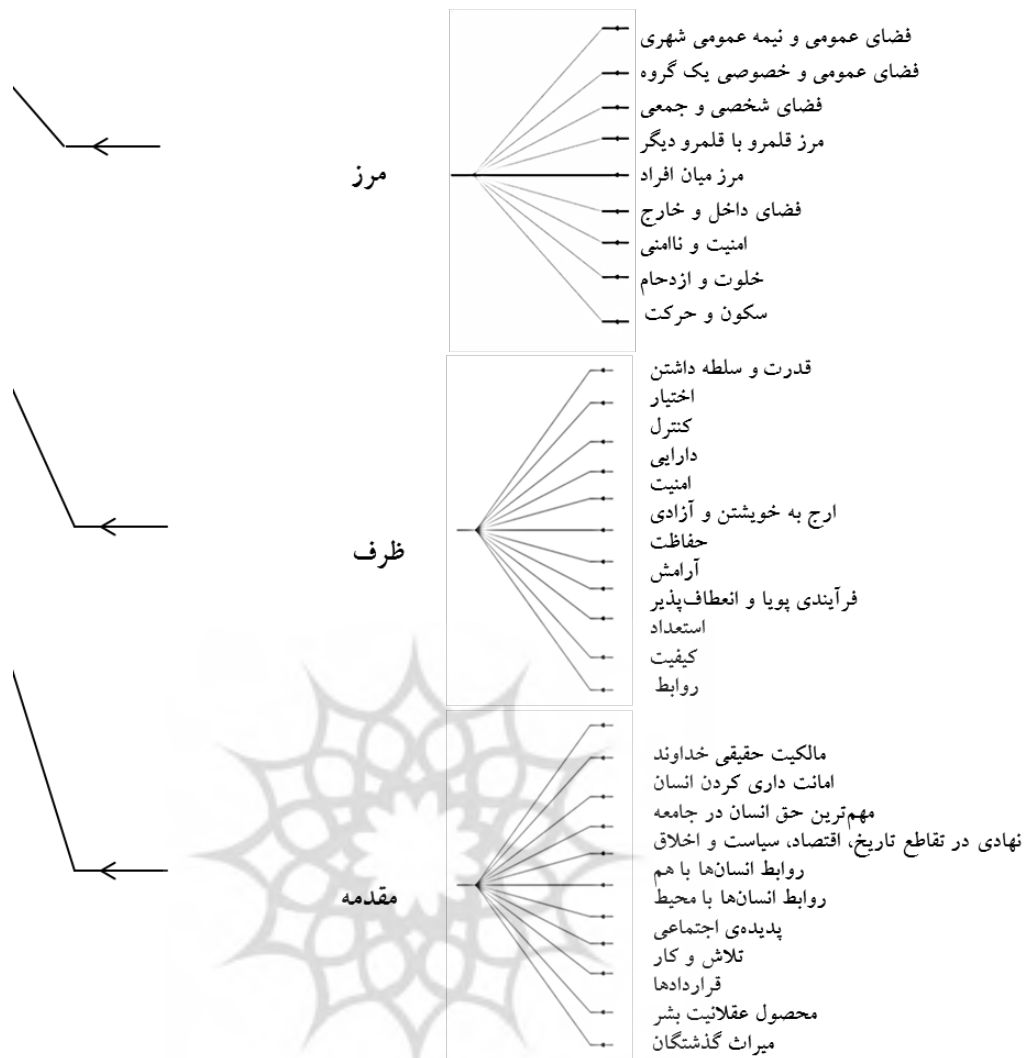
(کدهای مربوط به مقولات جوهر: مکان و فضا/ کدهای مربوط به مقولات کم: مرز، حدود، حدواندازه، دارایی، انتقال زمین از طریق فروش و ... / کدهای مربوط به مقولات کیف: فرایندی پویا و انعطاف پذیر، امنیت روانی و اخلاقی، بسیط بودن و آزادی، پناه و ... / کدهای مربوط به مقولات این: خلوت، فضای شخصی، قلمرو، حریم، در خانه بودن، تجربه مکانی و ... / کدهای مربوط به مقولات متی: تأثیر زمان بر محصوریت، مدت زمان استفاده

تأثیرگذار بر ماهیت قلمرو، عامل زمان تأثیرگذار بر درک مفهوم مالکیت، رابطه محصوریت با شب و روز و ... / کدهای مربوط به مقولات وضع: کنترل چشم‌انداز، دفاع موجود زنده از قلمرو، حفاظت از ملک، زمین موجودیتی ماندگار، تملک زمین توسط انسان و ... / کدهای مربوط به مقولات ملک: مالک بودن، تعلق داشتن، متصرف، خداوند، مالکیت حقیقی خداوند، مالکیت صفت خداوند و ... / کدهای مربوط به مقولات اضافه: حضور روحی، اهمیت اموال و مالکیت در زندگی مدنی، اهمیت حریم‌گذاری، کامل‌ترین حق عینی نسبت به مال، رابطه‌ای قانونی، مهم‌ترین حق افراد در جامعه و ... / کدهای مربوط به مقولات فعل: مالکیت خصوصی و عمومی، مالکیت اموال منقول و غیر منقول، فرایندی برای دور شدن یا نزدیک شدن به دیگران، حریم امری بازدارنده و اقدامی پیش‌گیر و مانع، حریم عافیت و ... / کدهای مربوط به مقولات انفعال: شراکت در مالکیت، اعمال قانون یا جبران خسارت، قوانین غیر دینی و قوانین دینی، حرمت داشتن مالکیت در اسلام، ارزش مالکیت همپای ارزش جان در اسلام، خلوت مطلوب و ...).
بر طبق نظر ارسطو و سایر منطق دانان، تمامی ویژگی‌های ماهیتی یک پدیده در این ده مقوله منحصرند و هر چند افرادی توانسته‌اند با ادغام برخی از آن‌ها در یکدیگر تعداد دسته‌بندی را کمتر کنند، اما کسی نتوانسته بر این دسته‌بندی چیزی بیفزاید. بدین ترتیب، اگر برای هر پدیده، این ده دسته مورد بررسی قرار گیرد و مفاهیم و ویژگی‌های مربوط به هر مقوله استنتاج شود، در واقع تبیین منطق آن پدیده انجام خواهد شد (استراوس، ۱۳۹۴: ۴۵). بنابراین در مورد «مالکیت» نیز با مشخص نمودن دسته‌ها و مفاهیم ویژگی‌های دهگانه، می‌توان به شناخت مفهوم - که هدف این پژوهش است؛ دست یافت. این دسته‌بندی‌ها به واسطه‌ی انتظام‌بخشی کدها، زمینه را برای جمع‌بندی آن‌ها در مرحله بعدی کدگذاری گزینشی فراهم می‌کنند.



شپوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی





شکل ۲ کدگذاری گزینشی: مرحله اول - جایگاه یا نقش‌های مالکیت (مأخذ: نگارنده)

۳-۴ کدگذاری گزینشی
کدگذاری گزینشی؛ مرحله‌ی اصلی نظریه‌پردازی می‌باشد و براساس دو مرحله قبل که به عنوان مراحل مقدماتی و زمینه‌ساز برای تئوری‌پردازی است؛ انجام می‌شود. نخست - به طرح و ساخت یک دیگرام جامع که نقش و کاربرد بنیادی مالکیت را در زندگی انسان نشان می‌دهد، اقدام گردید (جایگاه و نقش‌های مالکیت شامل موارد ذیل است: کدهای مربوط به جایگاه برآیندگاه مالکیت/ کدهای مربوط به جایگاه میانجی‌گری یا واسطه‌گری مالکیت/ کدهای مربوط به جایگاه تحدیدگر مالکیت/ کدهای مربوط به جایگاه مرز مالکیت/ کدهای مربوط به جایگاه ظرف مالکیت/ کدهای مربوط به جایگاه مقدمه مالکیت؛ که در قالب شکل ۱ و نمودارهایی نشان داده شده است.)

سپس - به ارائه‌ی پارادایم‌علیت که از اساسی‌ترین الگوهای فهم هر پدیده، برای «مفهوم مالکیت» است؛ پرداخته می‌شود. بدین ترتیب هدف اصلی پژوهش که در طی مراحل قبل به طور تفکیکی و تشریحی ویژگی‌های کمی و کیفی و مفاهیم کلیدی خود را می‌یابد؛ در این مرحله ستون فقراتی پیدا می‌کند که فهم و شناخت مخاطب را انسجام و



شکل ۳ کدگذاری گزینشی: مرحله دوم - شکل گیری پارادایم علیت در باب مالکیت [مأخذ: نگارندگان]

وحدت می‌بخشد (شکل ۳).

۴-۴ جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

سپس دسته‌بندی‌هایی تدوین شد و در انتها دانسته شد که هفت مفهوم، معنی کلی، نقش و جایگاه و یا صورت ظهور برای مالکیت وجود دارد که هر یک دارای اجزاء و وابستگان مفهومی متعدد است. این عناوین مشخص می‌کند که مالکیت در چه مقام‌هایی ظاهر می‌شود و در قالب چه «نقش‌ها» و به «مثابه» چه پدیده‌هایی ظهور می‌یابد، کاربرد و فایده‌ی خود را در چه قالبی ایفا می‌نماید. به چه عواملی وابسته است و بر چه عواملی تأثیر می‌گذارد.

در این پژوهش به منظور دریافت چیرستی مفهوم مالکیت و وجوه مشترک مابین دیدگاه‌ها و تعاریف متفاوت از مالکیت؛ به مدد روش «تئوری برخاسته از زمینه»، کدهایی از مالکیت ارائه گردید که حاوی وجوه و حدود آن و مبین ویژگی‌های مختلف مالکیت‌اند. در تمام طول مسیر «مالکیت» به صورت مجرد و منتزع از زمان و مکان مد نظر بوده است.

با توجه به جمع‌بندی انجام شده و در پاسخ به

سوالات پژوهش؛ «مالکیت را می‌توان مقوله‌ای

دانست که واجد ساختگی و پرداختگی انسان بوده و

این ساختگی و پرداختگی بنا بر نیاز و علاقه‌ی انسان

به محصولی موسوم به «وضع» منتهی می‌شود که

امکان تحرک اجتماعی - فرهنگی را فراهم می‌آورد

و به واسطه‌ی نگرش متفاوت جامعه و زمان و مکان

گونگون می‌تواند اشکال مختلفی پیدا کند؛ که در

نتیجه «بهره‌وری» متفاوتی را رقم می‌زند که این

بهره‌وری مقارن با مفاهیمی است که تحت عنوان

«حریم»، «قلمرو» و «خلوت» شناخته می‌شوند.

بنابراین براساس تعریف فوق می‌توان مولفه‌های

این مفهوم را که در ساخت‌وساز تأثیر دارند استنباط

کرد. این مولفه‌ها عبارتند از: قلمرو (قلمرو دفاعی،

قلمرو تفاهمی و قلمرو بصری)، خلوت (خلوت جمعی

و خلوت فردی)، حریم، حصار، همسایگی، همجواری،

هم‌نشینی و فضای شخصی. بنابراین مالکیت با

داشتن طبعی پویا، جست‌وجوگر و خواستار رفاه

ایجاد کننده‌ی کیفیت‌هایی در ساخت‌وساز است

که منجر به حس مالکیت در انسان شده و به این

علت که مبانی معرفت‌شناسی و بینش انسان‌ها

در متفاوت است حس مالکیت هم تغییر کرده؛ در

نتیجه بر شکل‌گیری بنا و ساخت‌وساز و کالبدی که

با کاربرد رابطه برقرار می‌کند تأثیر گذاشته و بدیهی

است دارای تفاسیر متفاوت بوده و از مقیاس‌ها و

تقسیم‌بندی‌های متمایز برخوردار می‌باشد. پس

شناخت صحیح کیفیت‌هایی که موجب ارتباط

مالکیت حسی و محیط پیرامون می‌شود؛ در درک

شکل مصنوع ساخت‌وساز بسیار کمک‌رسان است.

قابل ذکر است این پژوهش ادامه دارد و برای رسیدن

به هدف رساله لازم است مفهوم ساخت‌وساز نیز به

روش «تئوری برخاسته از زمینه» تعریف گردد و با

استخراج مولفه‌های این مفهوم، با روش نحو فضا و

تحلیل ساخت‌وساز خانه‌های سه دوره‌ی قاجاریه،

پهلوی و جمهوری اسلامی به تبیین رابطه‌ی مالکیت

و ساخت‌وساز پرداخته شود تا بتوان چگونگی رابطه

بین مولفه‌ها را کشف نمود.

یادداشت‌ها

۱- Grounded Theory

۲- Glaser

۳- Strauss

۴- گلیسر و استروس از مکاتب اندیشه‌ی متفاوتی

برخاسته‌اند که برآیند آن یک همکاری قوی و

مکمل بین آن‌ها بود. به طوری که گلاسر به شدت

از روش‌شناسی (کمی و استقرایی) لازارسفلد متأثر

بود. استروس نیز تحت تأثیر آثار «تعامل‌گرایی» و

«عمل-گرایی» مکتب شیگاگو و متفکران این مکتب

یعنی پازک، توماس، دیویی، مید، هیوز و بلومر بود.

در این دوران رویکردهای تجربی، حاکم بر عرصه‌ی

معرفتی و روش‌شناسی بوده و تحقیقات جامعه‌شناسی

نیز متأثر از چنین رویکردهایی بوده‌اند.

۵- The Discovery of Grounded Theory

۶- Level of detail

۷- Area of study

۸- Open Coding

۹- Axial Coding

۱۰- Selective Coding

منابع

کتاب

- آلتمن، ایروین (۱۳۹۰). محیط و رفتار اجتماعی -

خلوت، فضای شخصی، قلمرو، ازدحام. دانشگاه شهید

بهشتی، چاپ دوم.

- آنتونیادس، آنتونی سی (۱۳۸۱)، بوطیقای معماری

(آفرینش در معماری)، جلد اول (راهبردهای

نامحسوس به سوی خلاقیت معماری)، ترجمه:

احمدرضا ای، انتشارات سروش، تهران.

- آیتی، عبدالمحمد (۱۳۸۲)، گزیده هفت پیکر،

انتشارات علمی و فرهنگی.

- ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۳۶)، مقدمه ابن

خلدون، ترجمه: محمد پروین گنابادی، تهران:

شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

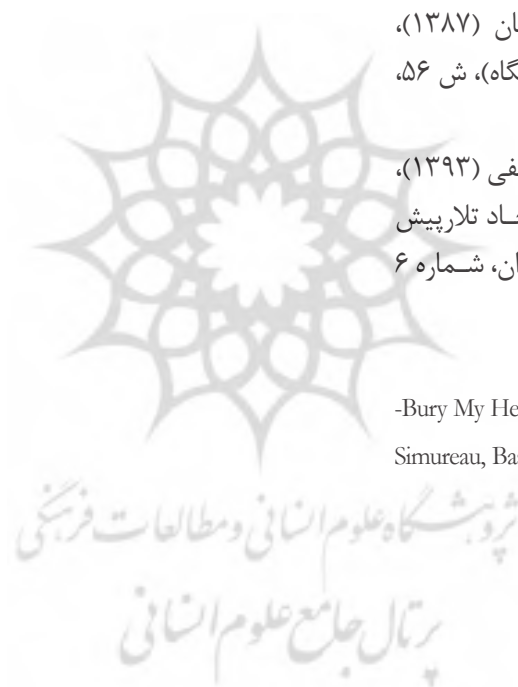
- احسن، مجید (۱۳۸۲)، تدوین قانون جامع طراحی - ساختار یکپارچه توسعه و عمران کشور (مرحله دوم)، مرکز تحقیقات معماری و شهرسازی وزارت مسکن و شهرسازی.
- پیلوار، رحیم (۱۳۹۳)، فلسفه حق مالکیت، انتشارات شرکت سهامی انتشار.
- تفسیرالمیزان (۱۳۶۲)، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۹۰)، فلسفه حقوق مدنی، جلد اول، عناصر عمومی عقود، جلد دوم، اصول عامه اذن و اذنیات، انتشارات کتابخانه گنج دانش، تهران.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۰)، حقوق اموال، کتابخانه گنج دانش، چاپ پنجم.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغت نامه دهخدا، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- ذاکر حقیقی، کیانوش (۱۳۸۶)، مطالعه در ضوابط معماری و ساختمانی مورد عمل در کشورهای پیشرفته و انطباق آن‌ها با شرایط ایران و تدوین مقررات ملی ایران، مرکز تحقیقات معماری و شهرسازی وزارت مسکن و شهرسازی.
- رحیمیان، م (۱۳۹۳)، سینما: معماری در حرکت، تهران انتشارات سروش.
- سبحانی، جعفر (۱۳۸۸)، سیمای اقتصاد اسلامی، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- عمید، حسن (۱۳۹۲)، فرهنگ فارسی عمید، نشر: امیر کبیر.
- فلامکی، محمد منصور (۱۳۹۲)، حریم‌گذاری بر ثروت‌های فرهنگی ایران، تهران: فضا.
- فلامکی، محمد منصور (۱۳۹۱)، شکل‌گیری معماری در تجارب ایران و غرب، تهران: فضا.
- قاموس، دیکشنری آنلاین انگلیسی به فارسی - قرآن کریم
- قرائتی، محسن (۱۳۸۸)، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۴) حقوق مدنی، جلد ۲، تهران، نشر میزان.
- گرجی، ابوالقاسم (۱۳۷۵)، مقالات حقوقی، جلد دوم، انتشارات دانشگاه تهران.
- گروت، لیندا و وانگ، دیوید (۱۳۹۴)، روش‌های تحقیق در معماری، ترجمه علیرضا عینی‌فر، انتشارات دانشگاه تهران
- لنگ، جان (۱۳۹۰)، آفرینش نظریه معماری - نقش علوم رفتاری در طراحی محیط، ترجمه: دکتر علیرضا عینی‌فر، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ پنجم
- لینچ، کوین (۱۳۷۶)، تئوری شکل خوب شهر، ترجمه سید حسین بحرینی، انتشارات دانشگاه تهران
- لوح فشرده درج ۴، کتابخانه الکترونیک شعر فارسی، حاوی ۲۳۶ جلد کتاب نظم و نثر ادبی از ۱۴۳ شاعر و نویسنده: ابوسعید ابوالخیر، انوری ابیوردی، اوحدی مراغه‌ای، باباطاهر، حافظ شیرازی، فرخی سیستانی، ناصر خسرو، وحشی بافقی، رباعیات خیام، شاهنامه فردوسی، کلیات شمس تبریزی، عطار نیشابوری، منطق الطیر عطار، هفت اورنگ جامی و ...
- مایس، پی‌یرفون (۱۳۹۲)، نگاهی به مبانی معماری - از فرم تا مکان، ترجمه: دکتر سیمون آیوازیان، انتشارات دانشگاه تهران
- مدنی، سید جلال الدین (۱۳۹۳)، حقوق مدنی، تهران، انتشارات پایدار
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۹)، آشنایی با قرآن، ج ۶، صدرا، سوم.
- معین، محمد (۱۳۷۱)، فرهنگ فارسی، جلد ۱، تهران، انتشارات امیرکبیر
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۳)، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- هاشمی، سیدرضا (۱۳۸۶)، پژوهش و تدوین قانون جامع شهرسازی و معماری ایران، پژوهشکده توسعه کالبدی، مرکز تحقیقات وزارت مسکن و شهرسازی.
- هال، ادوارد ت (۱۳۹۰)، بعد پنهان، ترجمه: دکتر منوچهر طبیبیان، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم.

- The American Heritage (Online dictionary).
- Dietze, Gottfried (1971), In defence of property, Johns Hopkins Press Ltd, London.
- Strauss, A. & Corbin, J (2010), Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory, 2nd ed. Sage Publication, Thousand Oaks, CA, USA.
- WordNet Princeton university (Online dictionary).
- Waldron, Jeremy (2002), The right to private property, oxford, Reprinted.
- Zenati, Castaing (2008), Frederic et Revet, Thierry: Les biens, 3 edition.

مقاله

- ایمان، محمدتقی و منیژه محمدیان (۱۳۸۷)، روش‌شناسی علوم انسانی (حوزه و دانشگاه)، ش ۵۶، ص ۳۱-۵۴.
- فلامکی، محمد منصور و پورعلی، مصطفی (۱۳۹۳)، قلمروهای تفاهمی - بررسی موردی: ایجاد تیارپیش در ماسوله، فصلنامه مطالعات معماری ایران، شماره ۶ - پاییز و زمستان.
- فیلم

-Bury My Heart at Wounded Knee, 1980, Director: Yves Simureau, Based on the Book By:Dee Alexander Brown.



مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۵۴ بهار ۹۸
No.54 Spring 2019



مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management

شماره ۵۴ بهار ۹۸
No.54 Spring 2019

■ ۴۴ ■